

گزارشی از اجرای نمایش عهد سیاوش در گرگان

نخستین نمایش سه ساعته در گرگان



■ **تحریریه فصلنامه میرداماد** - بسیاری از اتفاقاتی که امروز رخ می‌دهد، دارای شاخصه‌هایی هستند که مسلماً در آینده بخشی از تاریخ قابل ثبت ما خواهند بود. در دوران معاصر از میان صدها فعالیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ورزشی، نام تئاتر گرگان - با هزینه‌ی معنوی بسیار و کمترین هزینه‌ی مادی - یکی از مواردی است که از سایر اتفاقات متمایز گردیده و مانند بسکتبال گرگان، به یکی از برندهای شهر گرگان تبدیل شده است. یکی از رویدادهای بدیع و بی‌سابقه در تاریخ تئاتر گرگان، اجرای نمایش «عهد سیاوش» بود که از ۱۵ تا ۳۰ دی‌ماه به مدت پانزده شب و هر شب به مدت سه ساعت در تالار فخرالدین اسعد گرگانی روی صحنه رفت.

عوامل این نمایش عبارت بودند از:

نویسندگان: رضا پورتراب‌زاده و حسین جهان‌افروز - کارگردان: رضا پورتراب‌زاده - تهیه‌کننده: سیدمحمدهادی موسوی‌رکنی - بازیگران: داوود سعیدی، مهدی صفرپور، محمدحسین شمس، صمد رحیمی، هومن شهرستانی، حسین جهان‌افروز، نسرين دماوندی‌کمالی، ایلا مقصودلوراد، محمد رضایی‌عزیزی، فاطمه مقصودلو، معید مرگان‌پور، علی آل‌وستانی، فاطمه سروش‌نیا، آیدا میرزایی، صدف

صبحی، فاطمه آصف آگاه، ندا فضلی، فاضله محبی، سارا عرب احمدی، کامیار آداک، ساناز قربانی، معین جعفری، هستی سلمانی، کیمیا اسپو محلی، ستایش رستمی، ثمین والی، مهدیس دنکوب، مرسانا دنکوب، الناز مقصود لونژاد، سماء قاسمعلی، فهانه قلندری، الناز حمیدزاده، سوگل سرفرازان، آوین قلیچلی، غزاله آبرودی، بهمن باقریان، محسن قربانی، الهام اسماعیلی، طیبه آذرایین، الهام بطیاری، محمد اسلامی، طاهّا فرزبود، سحر خسروی، شهریار مکاری، فاطمه دنکوب و فائزه نوآبادی- مشاور بازیگردانی: داوود سعیدی و محمدحسین شمس- طراح صحنه و نور: رضا پورتراب زاده- گریم: رسول احمدی و فاطمه آصف آگاه- دستیار گریم: فاطمه مقصودلو، فائزه نوآبادی و محسن قربانی- طراح حرکات: فائزه نوآبادی- طراح لباس: رضا پورتراب زاده و فائزه نوآبادی- تیم پژوهشی شاهنامه: حسین جهان افروز، محمد اسلامی، طاهّا فرزبود، فائزه نوآبادی و رضا پورتراب زاده- دستیار اول کارگردان: فائزه نوآبادی- دستیار دوم کارگردان: سحر خسروی، محسن قربانی، محمد اسلامی، آوین قلیچلی و فاطمه دنکوب- دستیار صحنه: ستایش رستمی، بهمن باقریان، طاهّا فرزبود و محمد ستوده- ساخت افکت های شنیداری: رضا پورتراب زاده- اجرای افکت های شنیداری: محمد اسلامی- مدیر صحنه: رضا نازوئی- اجرای نور: محمدعلی شریعتی- ساخت دکور: محسن قربانی، محمد رضا نازوئی و سیدهادی موسوی رکنی- طرح و ساخت جواهرات: فائزه نوآبادی- طرح و اجرای خفتان های چرمی و آکسسوار: محسن قربانی، فائزه نوآبادی و رضا پورتراب زاده- دوخت لباس: معصومه مؤمن (مزون بنوشه)- طراح جلوه های ویژه رایانه ای: معید مرگان پور- آهنگساز: روزبه صیادی- نوازنده عود: غلامرضا صیادی- سازهای کوبه ای (دمام و کوزه): وحید دژگاهی- سه تار و تنبور: روزبه صیادی- کرنای: قهرمان بابائف (از کشور تاجیکستان)- خواننده: حامد کی پور- هم آوایان: علی آلوستانی، فاطمه مقصودلو، ساناز قربانی، صدف صبحی، روزبه صیادی- سازنده و نوازنده قطعه حرمسرا: خداداد شکل زهی و زنده یاد خلیفه شه میر بلوچ مالدار- شاعر (قطعه تیر): معین جعفری- ضبط قطعات، میکس و مستر: محمد شمس- طرح تبلیغات و ساخت تیزر: شهریار مکاری- تدوین فیلم و تیزر: معید مرگان پور- عکاس: باران انوری و امیرشهاب شهابی- حامی ویژه: اینفینیتی.

رضاپورتراب زاده رودسری، اهل گرگان، بازیگر و کارگردان جوان تئاتر، فارغ التحصیل رشته بازیگری از دانشگاه تربیت مدرس تهران، تاکنون تجربه کارگردانی هجده نمایش را در کارنامه خود دارد. پورتراب زاده که کارگردانی ریسک پذیر و نوآور است، در اغلب کارهای خود تجربیاتی نو و بدیع را رقم می زند. تا پیش از این پُر بازیگرترین نمایش وی تئاتر «اپیدمی» بود که در سال ۱۳۹۷ با ۴۹ بازیگر در گرگان و تهران به روی صحنه رفت و در جشنواره فجر صاحب پنج جایزه، از جمله جایزه هیأت داوران شد. اما تئاتر «عهد سیاوش» تاکنون پُر هزینه ترین و پُرکارا کترین تجربه پورتراب زاده محسوب می شود؛ این نمایش با وجود صرفه جویی های زیاد حدود پانصد و پنجاه میلیون تومان هزینه برداشته و مجموع بازیگران و عوامل آن ۵۶ نفر بوده اند.

نمایش عهد سیاوش روایتی است از زندگی سه شخصیت اسطوره ای ایران به نام های گُردآفرید، آرش

کمانگیر و سیاوش، اما محوریت اصلی داستان پیرامون زندگی سیاوش است. این داستان از نظر جغرافیایی در دو سرزمین ایران و توران رخ می‌دهد. در ابتدای نمایش نیز اشاره‌هایی به برخی اساطیر و ضداساطیر ایران هم‌چون مهر و میترا، اهریمن، زایش و پیدایش جهان و... شده است. علاوه بر اجرای دیالوگ محور، بخشی از متن نمایش توسط یک راوی روایت شده و گروهی از بازیگران با حرکات طراحی شده، به مفاهیم و موضوعات تجسم می‌بخشند. در بخشی از بازی‌ها جاشنی طنز گنجانده شده، که به نوع خود در بافت کار نشسته و تا حدودی به عنوان عنصر تعدیل‌کننده برای یک نمایش درام طولانی مدت - به‌ویژه برای مخاطب عام - نوعی نقطه قوت محسوب می‌شود.

بخشی از موسیقی این نمایش به صورت اجرای زنده بود و بخشی نیز از آفاق صدا پخش می‌شد. بک‌گراند صحنه انعکاس تصاویر ویدئویی بود که توسط پروژکشن بر روی پرده به نمایش درمی‌آمد. تمامی عناصر دکور صحنه که بیانگر چندین فضا و مکان بودند، مخصوص این نمایش ساخته و تهیه شده، لباس‌های تمامی بازیگران نیز متناسب با نقش و دوره زمانی داستان دوخته و تهیه شده بود. هرچند ممکن است ایراداتی به دکور و لباس‌ها وارد باشد، اما با وجود پُرهزینه بودن کار و الزام به صرفه‌جویی عوامل، همین که همه چیز مخصوص همین نمایش بود و برای همین نمایش تولید شده بود، حایز اهمیت است.

در مورد متن و محتوای نمایش نیز از سوی برخی کارشناسان ادبیات و برخی شاهنامه‌شناسان انتقاداتی مطرح شد، که این انتقادات بیانگر نیاز به حضور یک کارشناس و مشاور ادبی در کنار عوامل نمایش می‌باشد. به علت طولانی بودن زمان نمایش، یک زمان استراحت ۱۵ دقیقه‌ای در بین داستان‌ها در نظر گرفته شده بود و به‌طور کل در یک نظرسنجی عمومی و نسبی، تقریباً تمامی تماشاگران با گرایش‌های مختلف از این که سه ساعت وقت خود را برای تماشای این نمایش گذاشته بودند، رضایت داشتند و کار را تحسین می‌کردند.

اما آن‌چه که جای تأسف دارد، این است که تئاتر گرگان که زمانی پُرمخاطب‌ترین تئاتر کشور بود و اساساً به دلیل حمایت همین مخاطبین، شهر گرگان لقب «مهد تئاتر ایران» را از آن خود کرده بود، مخاطب خود را شدیداً از دست داده، چنان‌که این نمایش آن‌چنان که باید مورد حمایت مردم گرگان قرار نگرفت. درحالی که این نمایش نتیجه‌ی بیش از شش ماه تلاش شبانه‌روزی یک گروه پناه‌نفره و هزینه‌ی بالا (به نسبت تئاترهای شهرستانی) و هزینه بلیط نسبتاً پایین (به نسبت کنسرت‌های دست دوم و سوم) بود. این موضوع نشان می‌دهد که وقتی می‌گویند «دلیل عمده‌ی ریزش مخاطبان تئاتر، اجرای کارهای ضعیف است»، این دلیل نمی‌تواند دلیل درستی باشد، پس باید به دنبال دلیل یا دلایل دیگری بود. هرچند ممکن است از نظر مخاطب خاص انتقاداتی به تئاتر گرگان وارد باشد، ولی نکته در این جاست که:

- ۱- مخاطب خاص حداکثر و در بهترین حالت بیست درصد مجموع مخاطبین تئاتر را تشکیل می‌دهند.
- ۲- تئاتری مثل تئاتر عهد سیاوش می‌توانست لحظات خوب و غرورآفرینی را برای مخاطب هشتاد درصدی رقم بزند و ضمن این که ساعاتی را به تماشا سرگرم است، با بخشی از اساطیر ایران آشنا شود و از همه مهم‌تر این که هر مخاطب، از هر طبقه و قشر، می‌توانست از کاری که برای آن هزینه شده و برای اجرای

قابل قبول آن وقت گذاشته شده، لذت ببرد. ۳- رشد تئاتر در گرو رشد مجموعه‌ای از عوامل است، که بخش قابل توجهی از آن رشد فرهنگی مخاطب تئاتر است. البته در این میان نقش فراموش شده‌ی متولی تئاتر؛ یعنی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، غیرقابل انکار است. ۴- توسعه و تعالی تئاتر یک مملکت در گرو حمایت از تمامیت جریان تئاتر آن مملکت است؛ یعنی وقتی تئاتر به توسعه و تعالی می‌رسد که به شکل‌های مختلف از تئاترهای حرفه‌ای حمایت شود و نیز تمامی تئاترها مخاطب و البته منتقد داشته باشند. ۵- با فرض این‌که یک کارگردان یا تهیه‌کننده بپذیرد که بدون انتظار بازگشت مالی، تئاتری پرهزینه بسازد و روی صحنه ببرد، دیگر تئاتر از جریان حرفه‌ای خود خارج خواهد شد. و یا با فرض این‌که تماشای تئاتر رایگان باشد، ملتی که از غذای نذری - نه برای ثواب آن، بلکه برای مُفت بودن آن- استقبال می‌کند، ممکن است از «تئاتر مُفت» استقبال کند، ولی بازهم تئاتر به رشد و توسعه نخواهد رسید، چون مخاطبان آن به رشد و توسعه فکری نرسیده‌اند. اما دردناک‌تر این جاست که به احتمال زیاد حتی در چنین شرایطی هم سالن‌های تئاتر خالی خواهد بود! ۶- نوک پیکان تمام انتقادات را نمی‌توان به سوی مخاطب و حتی مسئولین گرفت، بخشی از برآیند کار مسلماً در گرو نحوه عملکرد عوامل نمایش است، که باید پس از هر اجرا کار خود را آسیب‌شناسی کرده، گوش شنوا برای انتقادات داشته باشند و آن‌ها را به کار بگیرند. صرف‌نظر از موارد بالا، بازهم وضعیت استقبال از تئاتر عهد سیاوش نسبت به سایر کارهایی که در گرگان انجام می‌شود، بهتر بود و امید است که روزه‌روز مخاطب تئاتر بیشتر شود.

